

«پلورالیسم هنجاری در سیره مهدی (ع)» (الگوی رفتاری امام مهدی با پیروان ادیان و مذاهب)

مهدی گنجور* - حسین عزیزی**

چکیده

یکی از مباحث بحث‌برانگیز کلام جدید در حوزه مهدویت پژوهی، مسئله چگونگی رفتار و ارتباط امام زمان (عج) با پیروان سایر ادیان در دوران ظهور است. یکی از آن مسائل، «پلورالیسم هنجاری در سیره مهدی» است. متأسفانه از دیرباز، به دلیل سوءبرداشت و فهم قشری از برخی متون و روایات، باور به خشونت و برخورد تند امام عصر (ع) با نامسلمانان در اذهان توده شیعیان نفوذ کرده و موجب بی‌ رغبتی و هراس برخی زودباوران از درک آن روزگار پُرفضیلت شده است؛ از این رو، نوشتار حاضر با توجه به نیاز علمی جامعه امروزی به مباحث اخلاقی و با توجه به بحران معیار در رفتار با غیر هم‌کیشان، درصدد فهم منطقی از الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان، در پرتو آموزه‌های مهدویت، برآمده و به سبک مسئله‌محور و روش تحلیلی توصیفی به تبیین مبانی، ادله و مؤلفه‌های این الگوی اخلاقی پرداخته است. در این مقاله، ادعا و استدلال شده است که طبق سیره و فرهنگ مهدوی، مناسبات ما با غیرمسلمانان باید مبتنی بر احترام و مهرورزی، آزادی و کرامت انسان، رعایت حقوق اقلیت‌ها، رفق و مدارا، تأکید بر اصول مشترک، همزیستی مسالمت‌آمیز، گفتمان عقلی و مذاکره علمی باشد.

واژه‌های کلیدی

امام مهدی (ع)، الگوی رفتار ارتباطی، پلورالیسم هنجاری، همزیستی مسالمت‌آمیز، تسامح

m.ganjvar@ltr.ui.ac.ir

hosn.azizi@gmail.com

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۹

۱. طرح مسئله

یکی از اساسی‌ترین مباحث بحث‌برانگیز در حوزه دین پژوهی نوین و اخلاق کاربردی، مسئله رفتار ارتباطی با پیروان «دیگر ادیان» است که فیلسوفان دین و اخلاق پژوهان معاصر آن را با نام «پلورالیسم هنجاری» (Normative Pluralism) طرح می‌کنند؛ اما به طور خاص، مسئله پلورالیسم هنجاری در قلمرو مکتب تشیع، در ساده‌ترین تعبیر چنین است «من در مقام مسلمانی شیعه، در رعایت حقوق و احترام به هم‌کیشان خود تردیدی ندارم، لیکن در خصوص غیرهم‌کیشان و به‌ویژه پیروان سایر ادیان چه می‌توان گفت. آیا آنها نیز شایسته احترام‌اند».

به نظر می‌رسد با توجه به نیاز علمی و عملی موجود و ضرورت یافتن معیار اخلاقی برای تعامل پیروان ادیان با یکدیگر، پژوهش و ارائه الگوی عملی مبتنی بر آموزه‌های مهدویت، خالی از ضرورت نخواهد بود. افزون بر این، تفسیرها و برداشت‌های افراطی و تفریطی ظاهرگرایان و دگراندیشان از احادیث مهدویت و تعالیم آخرالزمان، در افزایش بحران و آشفتگی آراء، بی‌تأثیر نیست و پژوهش و ضرورت حل این مسئله را دوچندان می‌کند. چه اینکه ممکن است آموزه مترقی و اصلاح‌گرایانه مهدویت به دلیل تکیه صرف بر ظواهر الفاظ و برخی روایات، مهجور واقع شود و اندیشه خشونت و برخورد تند امام عصر(عج) با مخالفان و نامسلمانان در اذهان برخی مخاطبان ناآشنا به فرهنگ تشیع نفوذ کند.

چنین تحلیلی از وضعیت آخرالزمان، القاکننده این ذهنیت است که غوطه‌ور شدن پیروان سایر ادیان و مذاهب در گمراهی و فساد، ایشان را سزاوار برخوردی خشن و انتقامی سخت کرده و گویا فلسفه ظهور و مأموریت عمده امام عصر(ع) از تشکیل حکومت جهانی قیام علیه غیرمسلمانان و گرفتن این انتقام است!

اما نگاهی ژرف به متون اصیل و میراث غنی آموزه‌های قرآنی و نبوی، ناتمام‌بودن باورهای فوق را

آشکار می‌کند. سیره عملی و فرهنگ متعالی پیشوایان دینی، سخنی فراتر از این دارد و واقعیت آخرالزمان و عصر ظهور را به گونه‌ای دیگر نیز ترسیم کرده است؛ امام مهدی(عج) نه مهدی مسلمانان که مهدی و منجی همه امت‌هاست. بزرگان ما این چنین فهمیده و آن حضرت را خطاب کرده‌اند «السلام علی مهدی الأمم» (ابن‌المشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۸۹)؛ و عدالت او نه مختص مسلمانان و منحصر به موافقان و نیکان است که شامل بدان و سرکشان نیز هست «اذا قام القائم وَسَعَّ عدله البرّ و الفاجر» (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۶۱). او مظهر عظوفت و رحمت واسعه الهی است و در توقیعی فرموده است او را چنین بخوانیم «السلام علیک ایُّها الرَّحْمَةُ الواسِعَةُ» (ابن‌المشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۶۸) و البته رحمت الهی همگان را فراگرفته است «رحمتی وَسَعَتْ کُلَّ شَیْءٍ» (اعراف: ۱۵۶). نیز در آن توقیع آمده است که «او بهار مردمان و مایه شادابی و سرزندگی و حیات مردمان است «السلام علی ربیب الانام» و خرمی و طراوت را به روزگاران و اهلش هدیه می‌کند «و نضره الايام» (ابن‌المشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۶۸).

به نظر می‌رسد چنین امام و رهبری، در عین برخورداری از قاطعیت در مقابل ظلم، انحراف، نفاق، کفر و شرک، طرفدار و مجری حقوق فطری و الهی بشر و نیز حامی اقلیت‌های مذهبی خواهد بود؛ چنانکه جدش رسول‌الله(ص) و ائمه اطهار(ع) با الهام از آیات قرآن در برابر اهل کتاب و حتی مخالفان و منکران دین اسلام اینگونه بودند و پیروان خود را به خوش رفتاری و انصاف در حق پیروان سایر ادیان و مذاهب سفارش می‌کردند (سبحانی، ۱۳۷۰: ۵۲۸). روشن است که این مرد الهی چرا و به کدام دلیل، شمشیر جهاد را بر گردن می‌آویزد و به زمین نمی‌نهد تا خداوند از او راضی شود «إِذَا قَامَ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَّا أَنَّهُ يَبِينُ أَثَارَ مُحَمَّدٍ وَ يَضَعُ

۱. گفتنی است براساس اصل قرآنی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ برخورد قاطعانه با کفر و شرک هیچ منافاتی با طرفداری از حقوق بشر و حمایت از اقلیت‌ها ندارد.

برمی آید که امام (ع) در برخی مواضع ناگزیر متوسل به قدرت و زور شمشیر خواهد شد. هرچند به نظر می‌رسد استفاده حضرت از حربۀ قتل، جنگ و خشونت در کمترین حدّ ممکن خواهد بود و درصد بسیار اندکی از اهل کتاب و پیروان ادیان در رویارویی با امام به قتل خواهند رسید؛ آن هم مخالفان و اهل کتابی که از لجاجت و عناد خود دست برداشته‌اند و متعصبانه به مخالفت و انکار حق می‌پردازند.

۳. مبانی عقلی و نقلی نظریه

دیدگاه پلورالیسم هنجاری در منش حکومتی و سیره رفتاری امام مهدی (ع) بر پاره‌ای از مبانی عقلی و نقلی استوار است و با دلایل و قرائن متعددی تأیید و تقویت می‌شود که در اینجا به برخی از آنها به اختصار و فهرست‌وار اشارت می‌شود.

۱-۳. اشتراک همه ادیان آسمانی در انتظار موعود و

منجی آخرالزمان

انتظار موعود و ظهور منجی آخرالزمان، آموزه مشترکی است که در همه مذاهب بزرگ جهانی اهمیت خاصی دارد و از اصول مسلم اعتقادی ادیان به شمار می‌رود. با مطالعه کتاب‌ها و تاریخ ادیان آسمانی و زمینی به خوبی روشن می‌شود که پیروان بیشتر ادیان، هریک به گونه‌ای به ظهور منجی و مصلح جهانی و نجات‌دهنده‌ای بزرگ در روزگاری تاریک و بحرانی معتقدند. آموزه منجی جهانی به جز آیین یهود، در ادیان ابراهیمی تا آیین بودا و برهما و زرتشت به روشنی دیده می‌شود (موحدیان عطار، ۱۳۸۱-۱۳۸۰: ۱۰۸-۱۱۰؛ عرب، ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۶۶)؛ برای مثال، از نظر تورات صلح و امنیت جاوید در سراسر طبیعت حتی میان حیوانات نیز حکم فرما خواهد شد «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و گاو پروار با هم خواهند زیست و طفل کوچک، آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه آنها با هم خواهند خوابید» (تورات،

السَّيْفِ عَلَى عَاتِقِهِ نَمَانِيَةً أَشْهَرُ هَرَجًا هَرَجًا حَتَّى رَضِيَ اللَّهُ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۴؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۱: ۲۸).

مسئله مدارا و تسامح امام عصر (ع) با اهل کتاب و پیروان سایر ادیان، به نحوی با عدالت جهان‌گستر مهدوی نیز پیوند می‌خورد. هرچند مقوله عدل جهانی موعود، حقیقت چندوجهی و ذوابعاد است و در ساحت‌های مختلف عدالت فردی، اجتماعی، قضایی، اقتصادی و ... درخور مطالعه و پژوهش است، از میان ابعاد مختلف عدالت مهدوی، آنچه مدنظر نوشتار حاضر است پاسخ به این سؤال است که سلوک و رفتار ارتباطی آن حضرت در آغاز قیام و دعوت فراگیر خویش و در دوران استقرار حکومت جهانی خود، با پیروان سایر ادیان و مذاهب، چگونه خواهد بود، و چه شاخصه‌هایی از آموزه‌های مهدویت به منزله الگوی رفتاری با غیرمسلمانان - برای عرضه به دنیای امروز - استنباط و ارائه می‌شود.

پاسخ به این پرسش‌ها با تکیه بر سنت و سیره رفتاری امام عصر (عج)، هدف نوشتار حاضر است که افزون بر حلّ پاره‌ای از مسائل نظری این حوزه، در جهان امروز به خصوص در عرصه سیاست خارجی، از کارایی و اثربخشی عملی برخوردار است و زمینه پویایی و کارآمدی روابط حقوقی و دیپلماسی موفق و اخلاقی با دولت‌ها و ملت‌های غیرمسلمان را فراهم می‌کند.

۲. «پلورالیسم هنجاری» در سیره مهدی (ع)

دیدگاه ما در مسئله نوشتار حاضر این است که ضمن تأکید بر ناسازگاری آموزه‌های مهدویت با پلورالیسم دینی - به معنای حقانیت همه ادیان - منش حکومتی و سیره عملی حضرت مهدی (ع) در عین قاطعیت با دشمنان محارب، در ساحت رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب، بیشتر مبتنی بر تسامح و سلوک مسالمت‌آمیز خواهد بود؛ هرچند به نحو مطلق، این ادعا، نه به لحاظ نظریه، عاقلانه و اثبات‌پذیر است و نه به لحاظ عملی، امکان‌پذیر. چنانکه از برخی روایات معصومین نیز

این کتاب آسمانی در موارد پرشماری، رفتار عادلانه و برخورد منطقی توأم با استدلال و اخلاق نیک را به پیامبر و پیروانش در تعامل با دیگران توصیه می‌کند؛ برای مثال در آیه ۸ سوره «ممتحنه»، مسلمانان را به نیکی و عمل به قسط و عدالت با غیرمسلمانان و انسان‌های بی‌آزار، توصیه و تشویق کرده و در موارد متعددی در به‌کارگیری «حکمت» و «موعظهٔ حسنه» (نحل: ۱۲۵)، «جدال احسن» (عنکبوت: ۴۶)، «قول حُسن» (بقره: ۸۳) و «قول لَین» و نرم (طه: ۴۴) در مذاکره و تعامل با مخالفان خود تأکید و توصیه کرده که این نیز حاکی از نوعی سلوک اخلاقی - منطقی و منش صلح‌آمیز در تعامل با غیرمسلمانان و پیروان سایر ادیان و مذاهب است. اینها نشان می‌دهد جهاد انفسی و اموالی در اسلام، صبغهٔ دیگری دارد و آن، «آزادی‌بخشی» است. در این جهاد، هدف نهایی، رهایی ملت‌هاست و در نتیجه، آنچه از میان برده می‌شود دولت‌ها و قدرت‌های مزاحمند، نه ادیان و اندیشه‌های متفاوت.

براساس همین دستورات اخلاقی قرآن، پیامبر اکرم (ص) حتی زمانی که مخالفان از در دشمنی با او برمی‌آمدند، به تبلیغ و اشاعهٔ آیین اسلام بین آنان با گفتگو و مناظره می‌پرداخت؛ چنانکه از امام حسن عسکری (ع) نقل است که فرمود «از پدرم علی بن محمد پرسیدم: آیا پیامبر با یهودیان و مشرکان، زمانی که با او دشمنی می‌ورزیدند، مناظره می‌کرد؟ فرمود: آری مکرر و بسیار!» (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۱۱). مصادیق فراوان و متعدد از مناظره‌ها و گفتگوهای پیامبر اسلام با مخالفانی چون یهودیان، مسیحیان، دهریه، مانویان، مشرکان و ... در منابع دینی و تاریخی، شاهدی گویا براین مدعاست (رک: طبرسی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۵-۱۱۴).

در سراسر دوران مکی - سیزده سال محنت - باوجود انواع تحریم‌ها، فشارها، سختگیری‌ها، تهمت‌ها، تهدیدها و توطئه‌ها از سوی مخالفان بر پیامبر، نه تنها هیچ‌گونه واکنش غیراخلاقی و رفتار تند و خشن از حضرت و همراهانش در مقابل دشمنان و مشرکان

کتاب اشعیا نپی، باب ۱۱، آیه ۶-۷). در مزامیر داوود، مزبور ۳۷ جمله‌های ۹-۱۱، ۲۲ آمده است «اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند بود... و امام حلیمان، وارث زمین خواهند شد و از فراوانی و سلامتی متلذذ خواهند گردید... آنان که از وی برکت یابند، وارث زمین گردند» در انجیل نیز شبیه همین تعبیر مربوط به ظهور موعود و برقراری صلح و امنیت در جهان، مکرر آمده است (انجیل متی، باب ۲۴، سفر ۴۴؛ یوحنا، باب ۵، سفر ۲۵-۲۸).

این آموزه افزون بر اینکه از اصول مشترک ادیان و کتب آسمانی شمرده می‌شود، امری فطری و عقلی و مرتبط با سرنوشت بشر و تکامل اوست؛ بدین معنا که وقتی انسان آخرالزمان باوجود آن همه تکنولوژی و پیشرفت علمی، روزه‌روز به فساد و تباهی کشیده می‌شود و اختراعات و اکتشافات پیچیده و گسترده نتوانسته او را از سردرگمی برهاند، به حکم عقل سلیم و فطرت پاک خود، متوجه مبدأ متعالی - خدا - می‌شود و از او برای رهایی و نجات از این تباهی و ستم کمک می‌جوید.

تأکید بر این آموزهٔ مشترک ادیان، علاوه بر اینکه در عمل، به وحدت، تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب کمک شایانی می‌کند، به لحاظ نظری نیز می‌تواند یکی از مبانی پلورالیسم هنجاری در سیرهٔ مهدوی لحاظ شود.

۲-۳. سنت مسالمت‌آمیز رسول خدا(ص) و سلوک

ارتباطی ائمه اطهار(ع) در تعامل با پیروان ادیان

یکی دیگر از مبانی و شواهد دیدگاه فوق، سنت مسالمت‌آمیز رسول خدا(ص) و سلوک تعاملی ائمه اطهار(ع) با پیروان دیگر ادیان است. برخلاف آنچه در برخورد مشرکان و غیرمسلمانان با رسول اکرم(ص) و حامیان ایشان وجود داشت، رفتار پیامبر با آنها حاکی از تعامل منطقی مبتنی بر احترام، استدلال و رعایت اصول اخلاقی به دور از هرگونه ستیز و خشونت نابجا بود؛ البته واضح است که سیرهٔ معصومین(ع) در این زمینه، مستند به آیات و وحیانی و مبتنی بر دستورات قرآنی بوده است.

احادیث مهدویت، بر عدل و ظلم‌ستیزی است؛ چنانکه امام حسین (ع) فرمود «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را دراز گرداند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد بیاکند. پس از آنکه از ستم و بیداد آکنده باشد، این چنین از پیامبر خدا شنیدم» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۳: ۳۰۸).

تمایل به صلح و امنیت و عدالت، از نیازهای فطری و ضروری بشر و جزء آمال و آرزوهای انسان در طول تاریخ بوده و تحقق آن، شرط لازم برای رشد و تکامل فرد و اجتماع و زمینه ساز وحدت، همدلی و تعامل سازنده افراد و جوامع بشری است که در سایه آن، تضاد و درگیری و خشونت ناچیز می‌شود.

اگر امام مهدی (ع) پدیدآورنده امنیت بشری و مجری عدالت جهانی است - که هست - و قرار است علل و عوامل ترس، دلهره و نزاع را از میان بردارد، پس می‌توان از او رفتاری مسالمت‌آمیز و صلح‌آفرین با پیروان ادیان و مذاهب دیگر در دوران ظهور و حاکمیت انتظار داشت؛ دورانی که به تعبیر امیرمؤمنان (ع) روزگار سختی‌ها به برکت ظهور قائم (عج) سپری خواهد شد «چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود؛ حیوانات نیز باهم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن با همه زیب و زیور خویش از عراق درآید و تا شام برود و از هیچ نترسد» (همان: ۵۹۲).

بدیهی است نظامی که بتواند این چنین نابسامانی و ناامیدی را از بین ببرد و آتش جنگ و اختلاف را خاموش کند و امنیت و آسایش و عدالت را چنان به دنیا برگرداند که حتی حیوانات نیز از آن بهره‌مند شوند، این چنین حکومتی، حکومت بر دل‌ها و حاکمیت اخلاق و مهرورزی بر انسان‌ها خواهد بود؛ چنانکه رسول اکرم (ص) فرمود «شمارا به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند» (قندوزی، ۱۳۸۶: ۴۳۱). و در جای دیگر فرمود: «مردی از امت من قیام می‌کند که مردم زمین و

گزارش نشده، حتی صبر و مدارا و گذشت پایدار آن بزرگوار در تعامل با مخالفان و غیرمسلمانان زبانزد و سرمشق بشریت شده است.

افزون بر این، سیره تعاملی رسول خدا با پیروان سایر مذاهب در دوران مدنی - دوران استقرار و اقتدار حاکمیت نظام اسلامی - با وجود برخورداری از قدرت سیاسی و نظامی نیز معتناست؛ پیمان و قراردادی که از آن با نام «اولین قانون اساسی مکتوب در جهان» یاد می‌شود و طبق آن، رسول خدا (ص) حقوق گسترده‌ای برای یهودیان ساکن مدینه به رسمیت شناخت، نمونه برجسته‌ای از مدیریت مذهبی مناسب در برخورد با پیروان دیگر ادیان از جانب حکومت اسلامی است (حمیدالله، ۱۳۷۴: ۱۰۱-۱۰۲).

در یکی از بندهای این اساسنامه آمده است «یهودیان با مؤمنان در حکم یک امت شناخته می‌شوند؛ با این تفاوت که یهود مطابق دستور دین خود عمل می‌کند و مسلمانان مطابق اوامر دین خود، موالی [هم پیمانان] یهود در حکم خود یهودند» (همان). نیز داستان قرآنی مباحله با مسیحیان نجران در اواخر حیات پیامبر (ص) پرده از این رویکرد نبوی برمی‌دارد (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۳۸-۴۰).

علاوه بر این، سلوک تعاملی با پیروان ادیان، یکی از مبانی فرضیه پلورالیسم هنجاری در سیره مهدوی، نیز درخور بررسی است؛ به‌ویژه در الگوی حکومتی امام علی (ع) که برخلاف دیگر ائمه، در سریر قدرت بود. جرجی جرداق توانسته این پرده از سیره انسانی حضرت امیر را به‌خوبی نشان دهد (جرداق، ۱۳۷۹، ۳: ۴۰-۶۹).

۳-۳. تأمین عدالت، امنیت و صلح عمومی در

حکومت مهدوی

یکی دیگر از مبانی نظری پلورالیسم هنجاری در سیره مهدوی، برپایی عدالت، امنیت و صلح بین‌المللی به منزله بزرگ‌ترین رسالت جهانی امام عصر (عج) است. بی‌شک، زیربنای اصلی حکومت جهانی و مؤلفه اساسی مدینه فاضله و جامعه توحیدی آخرالزمان طبق آموزه‌های وحیانی، عدالت‌گستری است؛ از این‌رو بیشترین تأکید در

آسمان او را دوست می‌دارند» (شوشتری، ۱۳۷۶، ق، ۱۹: ۶۶۳). در روایت دیگری از آن حضرت آمده است «مهدی چنان عدالتی در جامعه برپا می‌کند که زندگان آرزو می‌کنند کاش مردگانشان زنده بودند و از آن عدالت بهره‌مند می‌گردیدند» (همان، ۱۳: ۲۹۴).

حکومت حضرت چنان تأثیری دارد که حتی مردگان نیز از آن بهره می‌برند، چه رسد به زندگان! حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید «مردی از فرزندانم ظهور می‌کند [که در نتیجه ظهور و حکومتش] هیچ مرده‌ای در گور نمی‌ماند، مگر اینکه گشایش و برکاتی در گور برایش پدید می‌آید و آنان به دیدار یکدیگر می‌روند و قیام قائم را به یکدیگر مژده و شادباش می‌دهند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۵۲: ۳۲۸).

۳-۴. قرارداد صلح و آتش بس بین امام مهدی(ع) و رومیان (نامسلمانان)

از دیگر مبانی نظری و روایی دیدگاه پلورالیسم هنجاری در عصر ظهور، عقد قرارداد صلح و بی‌تجاوزی و همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان براساس پیمان دوطرفه است که به نظر می‌رسد هدف امام(ع) از این قرارداد در وهله نخست، ایجاد زمینه و فرصت عمل برای حضرت مسیح(ع) است تا بتواند به روال طبیعی در هدایت ملل غربی گام بردارد و تحولی در عقاید و سیاست آنها در این فرصت به وجود آورد و انحرافات حکومت‌ها و تمدن‌های غرب را برملا کند؛ زیرا در این صلح - همانند صلح حدیبیه که پیامبر(ص) با قریش منعقد کرد و مشرکان قریش با عهدشکنی یک‌جانبه پرده از نیات پلید خود برداشتند - غریبان و مسیحیان نیز در عصر ظهور با مسلمانان پیمان‌شکنی می‌کنند و از خصلت طغیان و خوی تجاوزگر خود پرده برخواهند داشت. طبق روایتی از رسول اکرم(ص) بین امام و رومیان، چهار پیمان صلح منعقد می‌شود که سال‌ها به طول می‌انجامد (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۵۱: ۸۰).

در روایات مربوط به رجعت و فرود آمدن حضرت

عیسی(ع) آمده است که جنگ در آن زمان پایان خواهد یافت (کورانی، ۱۳۸۰: ۴۵) و این یکی از مبانی روایی فرضیه ما مبنی بر رفتار مسالمت‌آمیز مسلمانان با پیروان ادیان در عصر ظهور به شمار می‌آید.

۴. مؤلفه‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان ادیان در فرهنگ مهدوی

با توجه به اینکه تحقق حکومت جهانی امام مهدی(ع) مستلزم اجرای کامل عدالت و برقراری تعامل منطقی و سازنده با همه ملت‌ها و اقلیت‌هاست، جای طرح این پرسش برای معتقدان به حکومت واحد جهانی امام عصر(عج) است که رفتار و سلوک ارتباطی حضرت با سران و پیروان ادیان بر مبنای چه الگوی اخلاقی خواهد بود، و چه شاخصه‌هایی از فرهنگ و سیره مهدوی به منزله الگوی رفتاری با غیرمسلمانان استنباط و ارائه می‌شود.

بدین منظور در راستای حل مسئله مذکور، به مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی امام عصر(ع) با پیروان سایر ادیان براساس شواهد نقلی و استنباط عقلی اشارت می‌شود.

۴-۱. احترام و مهرورزی و رعایت حقوق اقلیت‌ها

با توجه به اینکه مبنای اصلی آموزه مهدویت و حکومت عدل جهانی، متون دینی - آیات قرآن و احادیث معصومین(ع) - است و از طرفی قدر متیقن، هیچ دین آسمانی همانند دین اسلام ضامن آزادی اقلیت‌ها و حافظ شرف و حقوق ملی آنها نیست، بسی شایسته است که مؤلفه‌های الگوی ارتباطی با غیرمسلمانان از این آموزه‌های صریح و مترقی اسلامی استنباط و ارائه شود.

اسلام ضمن احترام به حقوق اقلیت‌های دینی همواره در صدد تأمین عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی بوده است، نه تنها برای مسلمانان، برای تمام انسان‌ها با وجود اختلاف مذهب، نژاد، زبان و رنگ و این یکی از مزایای بزرگ اسلام در عالم انسانیت است که اقلیت‌های مذهبی با انعقاد «پیمان ذمه» و اکتساب تابعیت در کشور آزادانه

خواهد داشت؛ رسول اکرم (ص) در این باره می‌فرماید «شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خوشنودند» (قندوزی، ۱۳۸۶: ۴۳۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۵ق، ۵: ۱۲۴؛ طبری، ۱۳۷۲: ۲۵۰). همچنین آن حضرت می‌فرماید «مردی از امت من قیام می‌کند که مردم زمین و آسمان او را دوست دارند» (دیلمی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۴۹۶) و در روایت دیگری آمده است در خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا راضی و خوشنودند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۱: ۸۰)؛ البته تحقق این مهرورزی و احترام به شخصیت و حقوق هموعان به‌ویژه اقلیت‌های مذهبی، مستلزم تغییر نگرش و اصلاح ذهنیت مسلمانان نسبت به پیروان سایر ادیان و مذاهب است. حضرت علی (ع) می‌فرماید «هنگامی که قائم ما قیام کند، کینه‌های بندگان نسبت به یکدیگر از دل‌هایشان زدوده می‌شود» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۲: ۲۵۴) و نیز پیامبر (ص) در این باره فرموده است «در آن روزگار، کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل‌ها زدوده خواهد شد» (ابن طاووس، ۱۴۰۸ق: ۱۵۲). علاوه بر اینها، از روایاتی که به‌نحو اطلاق بر عدالت قضایی و ادای حق‌الناس دلالت دارند اصل احترام به حقوق اقلیت‌ها در الگوی رفتار ارتباطی امام عصر (عج) با پیروان سایر ادیان و مذاهب استنباط می‌شود؛ از جمله این روایات، فرمایش امام باقر (ع) است که فرمود «پس از ظهور مهدی (ع) هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی‌ماند، مگر آنکه حضرت آن را باز می‌ستاند و به صاحب حق می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۲: ۲۲۴؛ عیاشی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۳۶).

همچنین در جای دیگر آمده است «اندازه و حدود پس‌گیری حقوق از بین رفته در روزگار مهدی، بدان اندازه است که اگر حقی از کسی در زیر دندان دیگری باشد حضرت آن را باز می‌ستاند و به صاحبش باز می‌گرداند» (مقدسی شافعی، ۱۴۲۴ق: ۳۶).

۴-۲. سلوک مدارا و تسامح

رفق و مدارا و تسامح دینی از دیگر شاخصه‌های الگوی رفتاری با پیروان سایر ادیان و مذاهب در فرهنگ

زندگی می‌کنند و از حقوق اجتماعی، امنیت داخلی و خارجی مانند افراد مسلمان بهره‌مند می‌شوند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۶۷). قرآن مجید با صراحت، سیاست کلی اسلام را - چه در عصر غیبت و چه در عصر ظهور - درباره مراعات حقوق ملل و مذاهب بیگانه چنین بیان می‌کند «لَا يَنْهَيْكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خداوند شما را از نیکی کردن و دادگری با کسانی که در [امر] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند منع نمی‌کند. بی‌تردید خداوند دادگران را دوست می‌دارد» (ممتحنه: ۸).

طبق این اصل قرآنی جهان‌شمول و جاودانه، اسلام حق طبیعی زندگی برای اقلیت‌های مذهبی و پیروان ادیان در جامعه اسلامی و همچنین حقوق شهروندی و انسانی را برای آنها به رسمیت می‌شناسد؛ اما مشروط بر اینکه تهدید و مزاحمتی برای اسلام و مسلمانان نداشته باشند و علیه آنان توطئه و جنگی صورت ندهند. آزادی و احترام اقلیت‌های مذهبی در اسلام به حدی است که اگر کسانی از اهل ذمه، عملی انجام دهند که در دین آنها جایز ولی در شرع اسلام حرام است - مانند باده‌نوشی - کسی در حکومت اسلامی حق ندارد متعرض آنها شود؛ البته مادامی که به آن عمل تظاهر نکنند و اگر به آن عمل تظاهر کنند به سبب نقض قانون «تحت‌الحمايه» بازخواست خواهند شد (سبحانی، ۱۳۷۰: ۵۳).

بدین ترتیب حکومتی که با چنین مبانی انسانی در مدتی کوتاه بر دشواری‌ها چیره شود و نابسامانی‌ها را از بین ببرد و با برچیدن ظلم و بی‌عدالتی و ناامیدی، بذر امید و عدالت را در دل‌ها بکارد، از پشتیبانی عمومی و بلکه حمایت اقلیت‌ها برخوردار خواهد شد. در چنین نظامی که کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌ها برچیده و امنیت و آسایش چنان بر دنیا حاکم شود که حتی حیوانات نیز از آن بهره‌مند شوند، بی‌شک احترام و مهرورزی به همگان و رعایت حقوق اقلیت‌ها به‌عنوان اصلی راهبردی نهادینه خواهد شد؛ به‌نحوی که رضایت و خرسندی مردمان را در پی

لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ
النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس: ۹۹) «و اگر پروردگار
تو می خواست، قطعاً کسانی که در زمین اند، همه آنها
یکسره [به اجبار] ایمان می آوردند؛ حال آیا تو مردم را
مجبور می کنی که مؤمن شوند».

از منابع اسلامی به دست می آید که در آخرالزمان، دین
اسلام فراگیر و بر تمام ادیان و مذاهب، چیره و حاکم
می شود. امام عصر(عج) نه با اکراه و اجبار، با ادله قطعی و
روشن، پیروان مذاهب دیگر مثل یهودیان و مسیحیان را به
اسلام دعوت می کند «جهت اینکه مهدی را «مهدی» گفتند
این است که به سوی کوه شام هدایت می شود و اسفار
تورات را از دل آن خارج کرده و به وسیله تورات با یهود
احتجاج و استدلال می نماید و جماعتی از یهود به دست
آن حضرت تسلیم می گردند» (صدر، ۱۳۴۴: ۳۰۶).

با اینکه در آخرالزمان، اسلام به صورت آیین رسمی،
همه جهان را زیر لوای حکومت واحد اسلامی فرا خواهد
گرفت، هیچ مانعی ندارد که اقلیتی از یهود و نصارا در پناه
حکومت مهدی(ع) زندگی کنند؛ چنانکه از برخی آیات
قرآن - نظیر آیه ۱۴ سوره مائده و ۵۵ آل عمران -
باقی ماندن پیروان مسیحیت و یهودیت تا دامنه قیامت
استفاده می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ۴: ۳۱۶؛ ۲: ۴۳۲).

با وجود این، به حکم عقل و نقل، انتظار آزادی فکر و
بیان از حکومت عدل جهانی، انتظاری معقول و تحقق پذیر
است؛ چه اینکه اجبار و الزام همه مردم و به خصوص
پیروان سایر ادیان آسمانی به دین اسلام از جانب امام
عصر(ع) به طور طبیعی نه ممکن است و نه - بر فرض
امکان - مطلوب و اثربخش است؛ بنابراین می توان انتظار
داشت دعوت و انقلاب جهانی امام(عج)، مبتنی بر منطق و
حریت است و توسل او به قدرت و نیروی نظامی نیز
برای بسط عدالت و برانداختن حکومت های ظلم و
قراردادن جهان زیر پرچم عدالت اسلامی باشد، نه برای
اجبار به پذیرفتن این آیین (رک: همان، ۲: ۴۳۳). روشن
است مجازات و نابودی ستمگران و معاندان از سوی امام

مهدوی است. با نظر پژوهش می توان مدعی شد یکی از
بزرگ ترین ضربه هایی وارد شده به دین داری در طول تاریخ
چند هزارساله تمدن دینی از جانب دین داران و حامیان
متعصب مذهبی، روحیه سختگیری و عدم تسامح دینی بوده
است؛ در حالی که به روایت تاریخ از زندگی و سیره انبیای
سلف - به ویژه شخص رسول الله(ص) و ائمه اطهار(ع) -
این بزرگواران همواره از مصادیق بارز روحیه مدارا و
تسامح با غیرهمکیشان بوده اند (گواهی، ۱۳۷۶: ۸۹).

ضرورت و لزوم پابندی به این اصل اخلاقی در رفتار
ارتباطی با پیروان سایر ادیان بدین نحو تبیین می شود که
وقتی به حکم عقل و ادله نقلی (انسان: ۳؛ بقره: ۲۵۶) نتوان
دین و آیین خاصی را به کسی تحمیل کرد، طبیعتاً تنوع
آیین ها و اعتقادات دینی پدید می آید. بنابراین صاحبان
ادیان مختلف چاره ای جز این ندارند که با حفظ حقوق و
احترام به عقاید یکدیگر، با رواداری و مدارا در کنار
یکدیگر، زندگی ای همراه با مدارا و تسامح داشته باشند
(رک: جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۹۶).

بنابر روایت قرآن، نه تنها اصل ادیان و شرایع: «و لِكُلِّ
جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مَنَاجِئًا» (مائده: ۴۸)، مناسک دینی هم
متعدد و متنوع اند «و لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا» (حج: ۳۴).
بنابراین طبق این مبانی نقلی می توان مدعی شد در
حکومت جهانی موعود، امام(ع) و پیروان دین حق،
بی مورد سختگیری و مخالفت نمی کنند و بی دلیل، تخم
نفاق و دشمنی را در قلوب آنها نمی کارند.

اسلام با رویکردی منطقی و برهانی، همگان را
به حقیقت راهنمایی می کند و مخالفان خود به ویژه اقلیت ها
و اهل کتاب را به ارائه برهان و استدلال دعوت می کند
«قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۱۱). در بخشی
از آیات قرآن نیز بر این اصل عقلی و تجربی تأکید شده
که طبیعت اعتقادات قلبی و مسائل وجدانی به گونه ای
است که اکراه و اجبار بر نمی دارد «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ
تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶) «در کار دین، اکراه روا
نیست؛ زیرا راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است». «و

چگونه خواهند بود؟ فرمود: با آنان از راه مدارا و مسالمت وارد می‌شود؛ همچنان که پیامبر (ص) رفتار می‌کرد [یعنی در قبال مدارا، آنها مأمور به پرداخت جزیه می‌شدند]» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۲: ۳۷۶). همچنین در روایت دیگری در خصوص نحوه رفتار امام (ع) با اهل کتاب آمده است «بدین جهت به حضرت قائم (ع) مهدی می‌گویند که به سوی یکی از کوه‌های شام هدایت می‌شود. در آنجا اسفار تورات را خارج می‌سازد و با آن با یهودیان به بحث و مناظره می‌پردازد و گروهی از آنان به سمت حضرت اسلام می‌آورند» (مقدسی شافعی، ۱۴۲۴ق: ۴۰). در جای دیگر، بر رعایت مساوات در تقسیم ثروت و رفتار عادلانه امام زمان (عج) با بندگان خدا اعم از نیکوکار و بدکار تصریح شده است؛ ضمن اینکه حضرت با هریک از پیروان ادیان نیز با نهایت مدارا و تسامح، براساس کتاب آسمانی خودشان حکم و داوری خواهد کرد «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسُّوْبَةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ... وَ أَمَّا يَسْمَى الْمَهْدَى لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ خَفِيِّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارِ انطاكِيه فَيُحْكَمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ...» (حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ۵: ۱۱۵، ح ۲۶۷).

۴-۳. تأکید بر اصول مشترک و همزیستی

مسالمت‌آمیز

اسلام آیینی است که از همان آغاز پیدایش با شعار همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت خویش را به جهانیان عرضه کرد. این شعار در قالب اصل جهان‌شمول اخلاقی خطاب به اهل کتاب می‌گوید «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» [آل عمران: ۶۴] «بگو: ای اهل کتاب، بیاید از آن کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم: آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سواي خدا به پرستش نگیرد».

به مثابه عمل جراحی است که برای پاک‌سازی جامعه جهانی از لوٹ و جود سرکشان و ستم‌پیشگان ضرورت دارد و بدون آن، هرگز بساط ظلم برچیده نمی‌شود و عدالت، حاکم نخواهد شد.

طبق روایات، همین کشتار و برخورد تند امام با دشمنان هم به امر الهی و مطابق با لطف و حکمت اوست و به علاوه این سیاست و رفتار خشونت‌بار، دائمی و مطلق نیست؛ بلکه حرکتی موقت و تابع متغیرها و شرایط خاص خواهد بود و چه بسا این طوفان مجازات، مقدمه و زمینه‌ساز صلح و امنیت و آرامش جهانی موعود باشد؛ چنانکه در روایتی از امام جواد (ع) به ختم کشتارها و نیک‌فرجامی این غائله تصریح شده است که فرمود «پیوسته به کشتن دشمنان خدا ادامه می‌دهد تا خدا از وی خشنود شود و او زمانی از خشنودی خداوند آگاه می‌شود که در دل خود احساس ترحم و دلسوزی کند» (النعمانی، ۱۳۶۳: ۱۲۱) و در روایت دیگری در همین مأخذ فرمود «زمانی که خداوند مهر و محبت در دل او افکند». برخی از احادیث نیز بر نجات پیروان راستین امام عصر (عج) و هلاکت سرکشان و مخالفان او در عصر ظهور دلالت دارند (رک: ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۱: ۶۵)؛ مانند این حدیث نبوی (ص) که فرمود «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ الْحَقِّ مَنَا وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذَنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ...» (حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ۵: ۷۰)؛ البته روایاتی نیز وجود دارد دال بر اینکه ستیزه و رویارویی حضرت همیشه با پیروان سایر ادیان یکسان نیست؛ بلکه گاهی با دریافت «جزیه» به آنان اجازه می‌دهد در دین خودشان بر جای بمانند و با گروهی نیز به بحث و مناظره می‌پردازد و آنان را با این روش به اسلام دعوت می‌کند و شاید بتوان گفت در آغاز قیام با آنان به بحث می‌پردازد و با کسانی که حق را نپذیرند و لجبازی و عناد بورزند، می‌جنگد. ابوبصیر می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم «حضرت قائم تا پایان زندگانی در مسجد سهله [کوفه] خواهد ماند؟ فرمود: آری. پرسیدم: اهل ذمه در نظرش

اجباری در چنین نظام حکومتی در کار نیست و امکان دارد افرادی بر اثر اشتباه یا تعصب بر عقیده پیشین باقی بمانند؛ هر چند اکثریت، گرایش به نظام توحیدی اسلام خواهند داشت و این امر طبیعی است؛ ولی به هر حال اگر چنین اقلیتی هم وجود داشته باشد، به صورت اقلیت سالم و با حفظ شرایط «اهل ذمه»، آن حکومت اسلامی از آنها حمایت خواهد کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۸۹) و در کنار مسلمانان، زندگی مسالمت آمیزی خواهند داشت.

لازمه همزیستی مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان در حکومت مهدوی، فراگیری صلح و امنیت واقعی، آرامش و همدلی و برچیده شدن اختلافات است. امام صادق (ع) فرمود «فَوَاللَّهِ يَا مَعْزِلُ! لَيُرْفَعُ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۳: ۴) «به خدا سوگند ای مفضل! [قائم ما] اختلاف و پراکندگی را از ملت‌ها و ادیان برمی‌دارد».

به استناد روایات، در عصر ظهور، خوف‌ها زایل و جان و مال و آبروی مردمان در ضمان قرار می‌گیرد و در سراسر جهان، امنیت و آرامش عمومی حاکم می‌شود. اختناق، خفقان، ستیزه‌جویی، استکبار و استثمار از جهان، ریشه‌کن و عاملان و مرتکبان این ناراستی‌ها با هر نامی برچیده می‌شوند «در زمان او ستم، ریشه‌کن و راه‌ها امن می‌گردند» «ارتفع في أيامه الجور و أمنت به السُّبُل» (مفید، ۱۳۴۶ق، ۲: ۳۸۴).

در چنین دوران طلایی که حتی چهارپایان و درندگان نیز در صلح‌اند «اصطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۲: ۶۲۶) و گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی می‌کنند «ترعى الشَّاءُ وَ الذُّئْبُ فِى مَكَانٍ وَاحِدٍ» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۳ق، ۳: ۵۹۲)، چگونه می‌توان منکر همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان با هم‌نوعان خود - ولو غیرهم‌کیش - بود.

۴-۴. گفتمان عقلی و مذاکره علمی (عقلانیت و

دانش محوری)

عقلانیت و «دانش محوری» و پابندی به اصل گفتمان

این آیه از آیات مهم در دعوت اهل کتاب به سوی وحدت به شمار می‌رود. تأکید و توجه آیه بر نقاط مشترک و اصول یکسان بین اسلام و اهل کتاب است. قرآن با این پیام اخلاقی جاودانه به مسلمانان می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدسات با شما همکاری کنند از پا نشینید و بکوشید دست‌کم در مواردی که با شما اشتراک هدف دارند، همکاری آنها را جلب کنید و آن را پایه برای پیشبرد اهداف مقدسات قرار دهید (مکارم، ۱۳۶۲، ۲: ۴۵۰).

قرآن مجید، فلسفه بعثت انبیای مختلف را مشترک دانسته و تلاش همه آنها را برای تحقق اهدافی یکسان و اصولی مشترک از قبیل تعلیم کتاب و حکمت الهی به بشر (آل عمران: ۱۶۴) تزکیه نفس (جمعه: ۲) و ایجاد عدالت اجتماعی (یونس: ۴۷) توصیف کرده است. بر اساس این، تکلیف اخلاقی مسلمانان به طور کلی - چه در زمان غیبت و چه در عصر ظهور امام مهدی (ع) - با پیروان سایر ادیان و مذاهب، روشن و مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز با تأکید بر اصول مشترک آنها خواهد بود.

بدین ترتیب دین مبین اسلام بیش از هر دین دیگر به اصل تساهل و مسالمت با ادیان دیگر پایبند است. از آیات و روایات مهدویت برمی‌آید که امام عصر (عج) نه تنها با اهل کتاب و پیروان ادیان الهی، با کافرانی که از ظلم و فساد به دور و پذیرای حکومت دادگستر ایشان باشند، همانند سیره نبی اکرم (ص) از سر مسالمت و مصالحت رفتار می‌کند و از آنان جزیه می‌گیرد. هر چند به تدریج با برقراری عدل و فراگیری آن در سراسر زمین و از بین رفتن باطل‌ها و بدعت‌ها و آشکارشدن نشانه‌ها و آیات حق، حجت‌های روشن الهی بر مردم تمام می‌شود و دیگر جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای کفر و شرک باقی نخواهد ماند (کارگر، ۱۳۸۷: ۶۵).

اما با وجود این نمی‌توان مدعی شد اقلیت‌های کوچکی از پیروان ادیان آسمانی دیگر، مطلقاً وجود نخواهند داشت؛ زیرا انسان دارای آزادی اراده است و

گفتمان عقلی تحقق یابد.

بدون شک، مستمسک و راهگشای امام عصر(ع) در رفتار ارتباطی با غیرمسلمانان، قرآن مجید است که مکرر شیوه‌های صحیح مواجهه با مخالفان را به نحو منطقی و به دور از هرگونه برخورد احساسی و نامعقول بیان کرده است؛ برای مثال در گفتگو با اهل کتاب به مسلمانان چنین دستور می‌دهد «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت: ۴۶) «با اهل کتاب، جز به نیکوترین شیوه‌ای مجادله نکنید. مگر با آنها که ستم پیشه کردند و بگویند: به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده است، ایمان آورده ایم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما در برابر او گردن نهاده‌ایم».

در اینجا منظور از «جدال احسن» بحث و گفتگوی منطقی است (مکارم، ۱۳۶۲، ۶: ۲۹۹)؛ زیرا اهل کتاب دست‌کم بخشی از دستورات انبیاء و کتب آسمانی را شنیده بودند و آمادگی بیشتری برای برخورد منطقی و گفتگوی عقلی داشتند که با هرکس باید به میزان عقل و دانش و اخلاقش سخن گفت (همان: ۲۹۸).

خداوند در جای دیگر دستور می‌دهد «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵) «مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله و استدلال کن». منظور از حکمت در این آیه، علم و دانش و منطق و استدلال است و در اصل به معنای «منع» آمده و چون علم و دانش و منطق و استدلال مانع از فساد و انحراف است به آن «حکمت» گفته شده است.

به‌هرحال نخستین گام در دعوت به سوی حق، استفاده از منطق صحیح و استدلال حساب‌شده است و به تعبیر دیگر، دست‌انداختن در درون فکر و اندیشه مردم و به حرکت درآوردن آن و بیدارکردن عقل‌های خفته است (همان، ۱۱: ۴۵۵).

و مذاکره به دور از هرگونه استبداد و برخورد احساسی از دیگر شاخص‌های مهم و راهبردی الگوی رفتار ارتباطی امام عصر(ع) با غیرمسلمانان در سایه حکومت عدل جهانی به حساب می‌آید؛ چه اینکه جهان رو به تکامل است و به‌سوی رشد و فعلیت عقل و معرفت در عرصه‌های مختلف دانش بشری اعم از علوم تجربی و نظری پیش می‌رود و روایات متعددی نیز در این‌باره وارد شده که پرداختن تفصیلی به آنها از حوصله این نوشتار خارج است (رک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲: ۳۶۶).

درباره رشد عقلانی آدمیان در آخرالزمان به این روایت امام باقر(ع) اشاره می‌شود «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عَقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ» (حرعاملی، ۱۴۲۵، ۵: ۶۱، حدیث ۴۸) «زمانی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌کشد که در پرتو آن، عقل‌های آنان بارور و کامل می‌شود». این حدیث چنانکه پیداست بر رشد عقلانیت و تکامل عقول مردم، به برکت ظهور حضرت حجت دلالیت می‌کند که با برهان‌های عقلی همراه است.

امام صادق(ع) نیز در روایتی علم و معرفت را بیست‌وهفت جزء ذکر می‌کند که فقط دو جزء آن را پیامبران به مردم معرفی کرده‌اند و باقی - بیست‌وپنج جزء دیگر - را حضرت مهدی(ع) برای مردم روشن می‌کند «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُهُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ بَحْثٌ آخِرَ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَخَتَمَ إِلَيْهَا حَرْفَيْنِ حَتَّى يُبَيِّنَهَا سَبْعَةَ عَشْرِينَ حَرْفًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲: ۳۶۶). جزئیات این حدیث و چگونگی کشف تام بیست و جزء علم برای ما روشن نیست؛ ولی قدر متیقن، بشارتی است بر اینکه در عصر ظهور، معرفت و دانش بشری به نهایت تعالی و کمال خود برسد و در پرتو این تعالی و کمال عقلی و دانش بشری، تعاملی سازنده و درخور مردمان آخرالزمان - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - در قالب مذاکره علمی و

اسلامی، استنباط و ارائه شد که به اختصار عبارت‌اند از: احترام و مهرورزی و رعایت حقوق اقلیت‌ها، سلوک مدارا و تسامح، تأکید بر اصول مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز و عقلانیت و دانش‌محوری (گفتمان عقلی و مذاکره علمی).

۶. منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، (۱۳۸۰)، ویلیام گلن، هنری مرتن، ترجمه فاضل‌خان همدانی، تهران، اساطیر.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۶۲)، الخصال، جلد ۲، ترجمه و شرح فارسی کمره‌ای، تهران، اسلامی.
- ۴-، (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا(ع)، تهران، انتشارات جهان.
- ۵-، (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ۶- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۸ق)، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله فرجه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۷- ابن‌المشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۸- جرداق، جرجی، (۱۳۷۹ش)، علی صدای عدالت انسانی، ج ۳، ترجمه و توضیح سیدهادی خسروشاهی، قم، کلبه شروق.
- ۹- جواد آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، دین‌شناسی، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۰- حمیدالله، محمد، (۱۳۷۴)، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد و اسناد صدر اسلام، ترجمه محمد حسینی، تهران، سروش.
- ۱۱- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)،

با الهام و بهره‌گیری از این آموزه‌های روشن‌نگر قرآنی است که امام صادق(ع) درباره هدایت مردمان آخرالزمان و برخورد منطقی و سرشار از عقلانیت امام عصر(ع) با مردم، اینگونه بیان می‌دارد «مهدی، آنان را با کلامی حکیمانه به پذیرش حق دعوت می‌کند و با زیباترین و شیرین‌ترین سخنان، آنها را موعظه می‌کند که بسیاری از آنها توجه کرده، به حق گردن می‌نهند و دست از مخالفت و ستمگری و تعدی برمی‌دارند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۳: ۱۱).

۵. نتیجه و جمع‌بندی:

در این پژوهش تلاش شد تا ضمن تبیین دیدگاه پلورالیسم هنجاری، در پرتو آموزه‌های مترقی اسلام و احادیث راهبردی مهدویت، الگویی نظری و عملی در مقیاس جهانی، مبتنی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصیل اخلاقی - اسلامی در زمینه تعامل و ارتباط با پیروان سایر ادیان و مذاهب، استنباط و ارائه شود؛ به گونه‌ای که علاوه بر حلّ پاره‌ای از مسائل نظری و معرفتی در حوزه اخلاق کاربردی و کلام جدید، در عالم واقع به‌ویژه در صحنه سیاست خارجی - نیز از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار باشد و پویایی و کارآمدی روابط ما مسلمانان را در عرصه حقوق بین‌الملل و برقراری مناسبات و دیپلماسی موفق و اخلاقی با دول و ملل غیرمسلمان تأمین کند.

همچنین در این پژوهش معلوم شد با وجود اینکه آموزه‌های اسلام و تعالیم مهدویت با پلورالیسم دینی به معنای «حقانیت همه ادیان» ناسازگار است، در فرهنگ مهدوی، پلورالیسم «هنجاری» به معنای صلح و همزیستی و رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان، مسلم و پذیرفته است که این دیدگاه در نوشتار حاضر، با دلایل و قرائن عقلی و نقلی، تأیید و تقویت شد.

در نهایت، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی امام عصر(عج) با پیروان سایر ادیان و مذاهب، با الهام از متون اصیل و تعالیم جهان‌شمول

دارالکتب الاسلامیه.

۴۰-، (۱۳۸۴)، حکومت جهانی

مهدی(ع)، قم، نسل جوان.

۴۱- علی موحدیان، عطار، (۱۳۸۰-۱۳۸۱)، «گونه‌شناسی

منجی موعود در ادیان مختلف»، هفت آسمان، شماره ۱۲-

۱۳، ص ۱۳۰-۱۰۷.

۴۲- موسوی زاده، سیدمحمد، (۱۳۸۴) نگرش اسلام به

سایر ادیان و ملل، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۴۳- النعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، غیبت نعمانی،

ترجمه محمدجواد غفاری، تهران، کتابخانه صدوق.

۴۴-، (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تصحیح

علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.

Archive of SID